سوژه

عصبانی‌ترین چهره رونالدو

روبرت لواندوفسکی به سیطره لیونل مسی و کریستیانو رونالدو در جایزه بهترین بازیکن سال فیفا پایان داد. طرفداران به این اشاره کردند زمانی که جیانی اینفانتینو، رئیس فیفا، جایزه بهترین بازیکن را به لواندوفسکی داد، رونالدو چقدر عصبانی به نظر می‌رسید که این جایزه را نبرده است.

این سه نفر به صورت آنلاین در مراسم حضور یافته بودند. یکی از کاربران در توئیتر نوشت: «می‌شد از همان دقیقه نخست فهمید که رونالدو قرار نیست جایزه را بگیرد. او عصبانی‌ترین چهره عمرش را داشت.» یکی دیگر هم به ظاهر عصبانی رونالدو اشاره کرد: «چهره رونالدو، زمانی که نام بهترین بازیکن سال اعلام شد، طوری بود که انگار می‌خواهد به محض آنکه دوربین را خاموش کرد، وسایل اتاقش را خرد کند.» یک طرفدار هم به شوخی نوشت که او شاید همچنان به پنالتی ازدست‌رفته‌اش در جریان تساوی یک بر یک مقابل آتالانتا فکر می‌کرده است.

اینفانتینو، رئیس فیفا، شخصاً این جایزه را به لواندوفسکی داد. این مهاجم لهستانی به دلیل عملکردش در جولای ۲۰۱۹ تا اکتبر ۲۰۲۰ این جایزه را گرفت.

کی به کی رأی داد؟

مراسم معرفی بهترین‌های فوتبال جهان در سال ۲۰۲۰ موسوم به The Best توسط فیفا به صورت آنلاین برگزار و همانطور که پیش‌بینی می‌شد روبرت لواندوفسکی، مهاجم لهستانی بایرن مونیخ این جایزه را برد. خیلی‌ها کنجکاو بودند بدانند که چه کسانی به او رأی دادند و چه کسانی هم سایر نامزدهایعنی لیونل مسی و کریستیانو رونالدو را شایسته کسب این جایزه دانستند. در این میان جذابیت آرای خود این سه بازیکن بیشتر است.

لواندوفسکی (که ۵۲ امتیاز آورد) به عنوان کاپیتان تیم ملی لهستان، رأی اول خودش را به تیاگو آلکانتارا هم‌تیمی سابقش در بایرن مونیخ داد که امسال به لیورپول پیوست. دومین انتخاب او نیمار مهاجم پاری‌سن‌ژرمن و سومین گزینه‌اش هم کوین دبروین هافبک منچسترسیتی بود.

لیونل مسی (که ۳۵ امتیاز گرفت) به عنوان کاپیتان تیم ملی آرژانتین، به ترتیب هم‌تیمی سابقش نیمار، پس از او کیلیان امباپه و درنهایت لواندوفسکی را انتخاب کرد.

انتخاب کریستیانو رونالدو، کاپیتان پرتغال (که ۳۸ امتیاز گرفت) به ترتیب لواندوفسکی، مسی و امباپه بودند. در واقع رونالدو در میان سه نامزد نهایی تنها کسی بوده که به هر دو رقیبش رأی داده و یکی از آنها را هم به عنوان نفر اول انتخاب کرده است.

لواندوفسکی اما رأی اول کاپیتان‌های سرشناس دیگری مانند سرخیو راموس (اسپانیا) و لوکا مودریچ (کرواسی) هم بود اما در این بین برخی مانند لوئیس انریکه سرمربی تیم ملی اسپانیا لواندوفسکی را حتی شایسته قرار گرفتن در بین سه نامزد نهایی هم ندانسته‌اند. سرمربی سابق بارسلونا به ترتیب به مسی، تیاگو آلکانتارا و سرخیو راموس رأی داده است. اعلام آرای نامزدهای The Best نکات جالب توجه دیگری هم داشت. در واقع این مراسم گاهاً به فرصتی و بهانه‌ای برای بروز احساسات واقعی برخی بازیکنان نسبت به آنهایی که دوست‌شان دارند یا از آنها متنفرند، تبدیل می‌شود. در اکثر مواقع بازیکنان اگر یک هم‌تیمی یا سرمربی‌شان که نامزد شده را به عنوان نفر اول انتخاب نکنند، او را در میان سه انتخاب خود قرار می‌دهند. گرت بیل ستاره ولزی رئال مادرید که امسال به صورت قرضی به تاتنهام پیوست اما با آرای خود نشان داد که اصلاً دل خوشی از زین‌الدین زیدان ندارد. او با نادیده گرفتن زیدان نیمکت‌نشینی‌هایش در رئال مادرید را که سرانجام او را مجبور به ترک برنابئو کرد، تلافی کرده است. در حالی که زیدان به خاطر قهرمان کردن رئال در فصل گذشته لالیگا جزو نامزدهای کسب عنوان بهترین مربی قرار گرفته بود، بیل ترجیح داده که به هانسی فلیک سرمربی بایرن مونیخ، یورگن کلوپ سرمربی لیورپول و جولن لوپتگی سرمربی سویا رأی دهد.

۶۰ کیلومتر، ۱۱ ساعت پیاده‌روی برای تماشای بازی

وقتی یک هوادار فوتبال علاقه به تیمش را «دلیل زندگی» توصیف می‌کند، احتمالاً انگ مبالغه به او زده می‌شود اما ماریوالدو فرانسیسکو دا سیلوا کارهایی در زندگی‌اش کرده که این ادعا را به خوبی ثابت می‌کند. این برزیلی هوادار اسپورت رسیفه هرگز یک بازی خانگی تیمش را از دست نمی‌دهد و این اگرچه چندان خارق‌العاده به نظر نمی‌رسد اما اینکه برای تماشای هر بازی در استادیوم اسپورت ۶۰ کیلومتر را در ۱۱ ساعت پیاده طی می‌کند، بی‌نظیر است. برای همین از وقتی او به عنوان نامزد جایزه بهترین هوادار فیفا معرفی شد، سیل حمایت و توجه از سوی صدها هزار نفر به سوی او روانه شد.

ماریوالدو کمی بعد از آنکه این جایزه را به دست آورد، گفت: «خودم را آماده کرده بودم که آرام بمانم اما وقتی نامم را در میان نامزدها شنیدم، همه چیز یادم رفت. می‌خواستم بپرم، فریاد بکشم و وحشی بازی دربیاورم! شنیدم چند نفر می‌گفتند آرامشت را حفظ کن. هنوز خودم را جمع و جور نکرده بودم که نام من را به عنوان برنده اعلام کردند برای همین نشنیدم. بعد ناگهان دیدم دست‌اندرکاران اسپورت به طرفم آمدند و گفتند برنده شده‌ام، برگشتم و به صفحه مانیتور نگاه کردم و دیدم رود گولیت نام من را می‌برد. نام من! دوباره هیجان‌زده شدم، از خوشحالی داشتم منفجر می‌شدم. گریه‌ام گرفت. خیلی خیلی خوشحال شدم. خدا را شکر، خدا را شکر. باورم نمی‌شد چنین اتفاقی برای من افتاده. هنوز هم باورم نمی‌شود، آیا خواب می‌بینم؟ هنوز هم منتظرم از خواب بیدار شوم. لطفاً به من بگویید اینها واقعیت دارد؟»

بعد از آنکه مطمئن شد در مراسم بهترین‌های سال فیفا سهمی داشته، درباره عشقش به اسپورت و اینکه چطور به مسابقات این تیم می‌رود، حرف زد: «از وقتی مادرم من را به دنیا آورد، طرفدار اسپورت بودم. همیشه برای تماشای بازی‌های این تیم رفته ام، قبلا در اولیندا زندگی می‌کردم و برای دیدن بازی پیاده می‌رفتم که فقط سه ساعت طول می‌کشید. من با مادرم زندگی می‌کنم، او همه چیز من است. ۱۲ سال قبل گفت آرزویش این است که بقیه عمرش را در پومبوس زندگی کند بنابراین به آنجا رفتیم. باز هم برای تماشای بازی‌ها می‌رفتم، با اتوبوس و گاهی ماشین می‌گرفتم اما در سال ۲۰۱۶ کارم را از دست دادم. ما خیلی فقیر هستیم، من پول کرایه اتوبوس را نداشتم. زندگی من، مادرم و باشگاه اسپورت رسیفه است. دعا کردم و ناگهان به این فکر افتادم که من سالم هستم، دو پای سالم دارم و یک چارچوب ذهنی درست. بنابراین از سال ۲۰۱۷ پیاده رفتن را شروع کردم. من یک کیف‌بندی دارم با یک بارانی در هوای ابری و یک کلاه در هوای آفتابی. آب و چند تا بیسکوییت هم می‌برم. ۶۰ کیلومتر است، ده و نیم ساعت طول می‌کشد. هیچ وقت پول بلیت مسابقه را نداشته‌ام اما خدا مراقبم بوده و هرگز یک بازی را از دست نداده‌ام. همیشه یک نفر بوده که برایم بلیت خریده، یک فرشته نگهبان، من نمی‌توانم سخاوت مردم را توصیف کنم.»

ماریوالدو شاید به ورزشگاه برود و از مانع بلیت عبور کند اما چطور برمی‌گردد؟ او توضیح می‌دهد: «گاهی اوقات من را می‌رسانند اما بیشتر پیاده برمی‌گردم. وقتی می‌بریم بیشتر از پیاده روی لذت می‌برم (می‌خندد) چون تاریک شده باید صبر کنم تا صبح. به یک سوپرمارکت شبانه روزی که خیلی دور از استادیوم نیست، می‌روم و روی یک نیمکت استراحت می‌کنم و با حرف زدن با کارکنان فروشگاه وقت می‌گذرانم. پارسال گلوبو یک مستند درباره‌ام ساخت، بعد از آن خیلی‌ها می‌خواهند من را برسانند. اسپورت به من بلیت می‌دهد و بعد از نامزدی جایزه فیفا، اوضاع خیلی بهتر شده. همه من را می‌شناسند، می‌خواهند عکس بگیرند و بعضی‌ها هم پیشنهاد دادن دوچرخه و امکانات می‌دهند اما من به خاطر اینها یا شهرت این کار را نکرده‌ام فقط به خاطر عشقم به اسپورت بود.»

با وجود سختی‌های بی‌شمار زندگی او یکی از قدردان‌ترین آدم‌هایی است که می‌شود دید و هرگز در طول زندگی امیدش را از دست نداده: «بگذارید یک چیزی بگویم، وقتی بچه بودم همیشه گرسنه بودم اما همیشه خوشحال بودم. شاید خیلی‌ها بگویند: تو فقیر هستی، هیچ چیز نداری، این کار و آن کار را نکرده‌ای و برای همین نباید رضایت داشته باشی اما من یک آدم ساده هستم و همیشه راضی‌ام.»

منبع: فیفا

گزارش

لوکاس ورابلیک

بالاتر از مسی و رونالدو

چگونه لواندوفسکی به قله رسید

روبرت لواندوفسکی ناراحتی خود را پنهان نکرد وقتی فرانس فوتبال اعلام کرد به دلیل شیوع ویروس کرونا در سال ۲۰۲۰ جایزه توپ طلا داده نمی‌شود اما حالا جایزه بهترین بازیکن سال از نظر فیفا را دریافت کرده و بالاخره نوبت او شده است. با اعلام فهرست سه نفره نهایی که در آن کریستیانو رونالدو و لیونل مسی نیز حضور داشتند، او بیش از دو رقیب شانس بردن این جایزه را داشت.

چرا که نه؟ او جای هیچ شکی باقی نگذاشته. لوا در ۴۷ بازی فصل قبل ۵۵ گل زد و در سه تورنمنت آقای گل شد: بوندس‌لیگا، جام حذفی آلمان و لیگ قهرمانان اروپا. بایرن‌مونیخ سه گانه را برد به اضافه سوپرجام اروپا و سوپرجام آلمان و مهاجم لهستانی در مرکز همه موفقیت‌ها قرار داشت. حالا کسی درباره کیفیت او تردید ندارد اما روزگار همیشه بر وفق مراد این لهستانی ۳۲ ساله نبوده. در نوجوانی آینده سختی برایش تصور می‌شد اگر یک فوتبالیست حرفه‌ای نمی‌شد. لواندوفسکی در سال ۲۰۰۵ تنها ۱۷ سال داشت که پدرش، کریشتوف، قهرمان جوانان اروپا در جودو، درگذشت. او تازه از تیم دلتا ورشو، تیم کوچکی در دسته چهارم، به لژیا، یکی از بهترین تیم‌های لهستان که سابقه ۱۴ قهرمانی در لیگ این کشور را داشت، رفته بود. به نظر می‌رسید سنگ بزرگی بر سر راه او قرار گرفته، او به تدریج بازیکن ثابت تیم ب باشگاه شده بود اما یک مصدومیت زانو روند رو به رشدش را متوقف کرد. بعد از چند هفته طی مراحل درمان، لژیا تصمیم خودش را گرفت. لواندوفسکی در برنامه‌های آینده آنها جایی نداشت، مهاجمان بهتری داشتند و به او گفتند برود. وقتی فهمید مادرش، ایوونا، او را به خانه برد و برایش شام درست کرد اما روبرت که رویای حرفه‌ای شدنش را بر باد رفته می‌دید، میل به خوردن نداشت. خوشبختانه تیم دسته سومی زنیژ پروژکوف او را دعوت کرد. این باشگاه معروف بود که بازیکنان را ارزان می‌خرد، پیشرفتشان می‌دهد و بعد آنها را می‌فروشد. رئیس سابق باشگاه، مارک اسلیوینسکی تشخیص داد او «ماهی طلایی»شان است، او را به هزار پوند از لژیا خریده بودند. در آغاز، فاصله زیادی با بزرگترین ستاره تیم داشت. ماهی ۲۳۰ پوند دستمزد می‌گرفت در حالی که برخی اعضای تیم تا سه برابر او دستمزد می‌گرفتند اما خودش را جا انداخت. در فصل اول ۱۵ گل زد و به صعود تیم کمک کرد. در فصل دوم هم به گلزنی ادامه داد. در دسامبر ۲۰۰۷، یاسک گرمبوکی مربی تیم شد. او به BBC می‌گوید: «پروژکوف تیم خوبی داشت و پنج بازیکن به تیم‌های دسته اولی رفتند اما استعداد لوا شگرف بود، او همه چیز داشت، سختکوشی، تکنیک و سرعت. پروژکوف فوق ستاره خود را پیدا کرده بود.» بعد از دو ماه گرمبوکی مطمئن شد: «یک بازی دوستانه با تیم دسته اولی لودز داشتیم، او مقابل مدافع باتجربه کروات، ایوان اودارویچ قرار گرفت، روبرت بهترین بازیکن زمین شد. من هفت بازی برای تیم ملی لهستان انجام داده‌ام و می‌دانستم مشکلی برای بازی در تیم ملی ندارد اما بایرن؟ واقعاً سخت بود. لواندوفسکی حالا بهترین بازیکن اروپا است، او خیلی خوشحالم می‌کند.» به خاطر گل‌های لواندوفسکی برای تیم گرمبوکی، پروژکوف ناگهان بخت صعود شد اما در نهایت با فاصله‌ای نزدیک ناکام شد چون از سه بازی آخرشان تنها یک امتیاز گرفتند اما مشخص بود لوا به دسته اول می‌رود. در سال ۲۰۰۸ لژیا دوباره فرصت به دست آوردن او را پیدا کرد اما باز هم نخواست. می‌خواستند خط حمله خود را تقویت کنند و به جای لوا، میکل آروبارنا از تنریف را گرفتند. او یک گل هم برای لژیا نزد اما لواندوفسکی ستاره لخ پوزنان، رقیب لژیا شد که برای او ۳۰۰ هزار پوند به پروژکوف داد. لوا رقابت شدیدی برای پست شماره ۹ با مهاجم پرویی، هرنان رنخیفو داشت و بارتوژ بوساچکی کاپیتان وقت لخ پوزنان می‌گوید: «اگر فرانچیژک اسمودا، روبرت را بازی می‌داد در هافبک راست یا چپ او را قرار می‌داد اما چند ماه بعد، یاسک زیلینسکی، مربی بعدی تیم او را در پست مهاجم نوک گذاشت و روبرت خیلی مؤثر بازی می‌کرد.» در فصل ۲۰۱۰-۲۰۰۹ با ۱۸ گل او، لخ پوزنان به قهرمانی لیگ رسید. لئوبین هکر مربی لهستان او را دعوت کرد و نخستین بازی ملی او برابر سن مارینو بود، طبیعی بود که گل بزند. بعد از دو سال، معلوم بود به یک تیم بزرگ اروپایی می‌رود، بلکبرن راورز ابراز علاقه کرد اما به دلیل فوران آتشفشان ایسلند، پروازها در اروپا لغو شد و نتوانست برای مذاکره به انگلیس برود. در نهایت با ۴/۵ میلیون پوند به بوروسیادورتموند رفت. در دورتموند همان مشکل لخ را داشت، لوکاس باریوس پاراگوئه‌ای مهاجم مورد علاقه یورگن کلوپ برای پست مهاجم نوک بود اما وقتی کلوپ او را به مرکز خط حمله برد، ستاره تیم شد. از آن وقت هرگز عقب نرفته. در نیمه‌نهایی لیگ قهرمانان فصل ۲۰۱۳-۲۰۱۲ چهار گل به رئال مادرید زد و یک سال بعد به بایرن مونیخ رفت که از جمله دستاوردهایش زدن پنج گل در ۹ دقیقه بازی لیگ برابر ولفسبورگ بود. گرمبوکی می‌گوید: «خیلی زحمت کشید و از حمایت خانواده و همسرش برخوردار بود. بازیکنانی مثل او تنها به یک چیز فکر می‌کنند: موفقیت. او حالا یک اسطوره است در کنار مسی و رونالدو.» لواندوفسکی در ۱۱۶ بازی ملی ۶۳ گل زده است. حالا او در نهایت خود را در میان بهترین‌های تاریخ فوتبال مطرح کرده است.

منبع: BBC

اشتباه بزرگ فیفا در انتخاب بهترین مربی سال

کلوپ؟ بیلسا؟ شوخی می‌کنید؟

گزارش

پیتر استانتون

شاید اسم پیتسو موسیمانه را نشنیده باشید، به‌ویژه اگر اهل آفریقا نیستید. شاید اسم ژرژ ژسوس به گوشتان خورده باشد اما احتمالاً در فیفا کسی این دو نفر را نمی‌شناسد.

لیست بهترین مربیان سال فیفا بدون این دو نفر ناقص است. لیست نهایی از یورگن کلوپ، مارسلو بیلسا و هانسی فلیک تشکیل می‌شد و در نهایت کلوپ بهترین مربی سال شد، در حالی که فلیک سه‌گانه را فتح کرد اما موسیمانه و ژسوس حتی به لیست اولیه هم راه نیافتند، در حالی که زین‌الدین زیدان و جولن لوپتگی در آن حضور داشتند.

اینکه جوایز سال حول محور اروپا باشند باعث شده طرفداران فوتبال در آمریکای لاتین و آفریقا بسیار ناراحت شوند. تردیدی نیست که اروپا جایی است که بیشترین درآمد را از فوتبال جذب می‌کند و اکثر بازیکنان و مربیان بزرگ در آن حضور دارند اما مسأله فقط پول نیست. مسأله این است که فیفا برای کار مربیانی که در قاره‌های دیگر می‌درخشند ارزشی قائل نیست. شعار فیفا این بود: «به خاطر بازی. به خاطر دنیا.» اما آنها با انتخاب نکردن موسیمانه و ژسوس، این شعار را به‌کلی نادیده گرفته‌اند. موسیمانه با تیم ماملودی سان‌داونز توانست برای پنجمین بار قهرمان دسته برتر لیگ آفریقای جنوبی شود. این دهمین قهرمانی تاریخ این باشگاه در این رقابت‌ها بود. تیم کایزر چیفس ۲۲ هفته پیاپی صدرنشین بود اما سان‌داونز که لقبش «برزیلی‌ها» است، در آخرین روز لیگ به دراماتیک‌ترین شکل ممکن قهرمانی را از این تیم گرفت. آنها قهرمان جام حذفی و جام تلکام هم شدند که از ۱۶ تیم برتر کشور تشکیل می‌شود. یعنی چیزی شبیه سه‌گانه داخلی که پپ گواردیولا در سال ۲۰۱۹ فتح کرد. باشد، قبول. لیگ آفریقای جنوبی را نمی‌توان معیاری برای دنیا دانست اما در سپتامبر، زمانی که لیگ تمام شد، موسیمانه از تیم جدا شد. این ضربه سختی به این تیم بود چون او را بهترین مربی‌ای می‌دانستند که لیگ پرورش داده است. ماملودی سان‌داونز در سال ۲۰۱۶ فاتح لیگ قهرمانان آفریقا شد و در فینال زمالک مصر را برد. این یکی از بزرگ‌ترین دستاوردهای موسیمانه و آفریقای جنوبی بود. در یک دهه اخیر، اکثراً باشگاه‌های شمال آفریقا، از کشورهایی مانند مصر، تونس، مراکش و الجزایر فاتح لیگ قهرمانان شده‌اند. در سال ۲۰۱۹ بود که سان‌داونز توانست الاهلی قاهره، رقیب زمالک را با نتیجه پنج بر یک در مرحله یک چهارم نهایی لیگ قهرمانان شکست دهد. این پیروزی تاریخی بود. این فصل لیگ قهرمانان آفریقا به دلیل شیوع ویروس کرونا به تعویق افتاد. دیدارهای نیمه‌نهایی قرار بود در ماه مه برگزار شوند اما به اکتبر منتقل شدند. موسیمانه هم از سان‌داونز جدا شده و راهی قاهره شده بود. باشگاه‌های مصری معمولاً دوست دارند مربیانشان را از فرانسه، پرتغال، یا دیگر کشورهای اروپایی بیاورند اما آنها این بار به سراغ مربی‌ای رفته بودند که از جنوب آفریقا آمده بود. او مربی الاهلی شد و یکی از تاریخی‌ترین فینال‌های لیگ قهرمانان آفریقا را برابر زمالک رقم زد. الاهلی توانست زمالک همشهری را شکست دهد و نهمین قهرمانی‌اش در آفریقا را تجربه کند. الاهلی با مربیگری رنه وایلر سوئیسی توانسته بود فاتح لیگ برتر مصر شود. آنها با هدایت وایلر توانسته بودند در همین سال، سان‌داونز را در مرحله یک چهارم نهایی شکست دهند. رفتن موسیمانه به تیمی در شمال آفریقا پرریسک بود. انتظارات در الاهلی بسیار بالا است و او تنها چند بازی فرصت داشت تا منتقدانش را خاموش و خودش را تبدیل به اسطوره تیم کند. در فصل ۲۰-۲۰۱۹ لیگ مصر، نزدیک به ۵۰ مربی برکنار شدند، آن هم در حالی که تنها ۱۸ تیم در این لیگ حضور دارند اما او موفق شد در این تیم بماند و البته جام حذفی را هم فتح کند. او در یک سال با دو تیم، شش قهرمانی کسب کرد که پنج قهرمانی کاملاً زیر نظر او بود. آیا کسی از نظر دستاورد به او نزدیک است؟ بله، یک نفر. اگر یک لیگ وجود داشته باشد که در آن مربیان بیشتری نسبت به مصر اخراج می‌شوند، آن لیگ برزیل است. در چنین شرایطی بود که ژرژ ژسوس مربی فلامنگو شد. فلامنگو یکی از تیم‌هایی بود که مدت‌ها بود پایین‌تر از انتظارات نتیجه می‌گرفت. آنها از سال ۲۰۰۹ فاتح سری آ برزیل نشده بودند و از سال ۱۹۸۱ هم قهرمانی‌ای در کوپا لیبرتادورس به دست نیاورده بودند. وقتی ژسوس آمد، بسیاری گفتند که کار او به‌زودی تمام می‌شود. این ریسک بزرگی برای باشگاه و مربی بود اما نتیجه آن بسیار درخشان بود. او تنها یک سال پس از آمدن به این باشگاه از آن جدا شد. در همین مدت کوتاه، فلامنگو در شش رقابت حضور یافت و پنج قهرمانی کسب کرد و او دومین مربی پرافتخار تاریخ ۱۲۵ ساله باشگاه شد. آنها لیگ و لیبرتادورس را فتح کردند و اولین تیمی پس از سانتوس با پله در سال ۱۹۶۲ شدند که علاوه بر این دو رقابت، در لیگ استانی هم قهرمان می‌شوند. تنها رقابتی که آنها در آن قهرمان نشدند جام باشگاه‌های جهان بود که به لیورپول باختند، آن هم در شرایطی که بازی پایاپایی را به نمایش گذاشتند. ژسوس اولین مربی خارجی‌ای بود که با یک تیم برزیلی فاتح جام قاره‌ای شد. او دومین مربی اروپایی بود که لیبرتادورس را فتح کرد و اولین مربی خارج از آمریکای جنوبی بود که تیمش را به قهرمانی لیگ برزیل رساند. او در بحبوحه ویروس کرونا، به بنفیکا بازگشت. جانشین او، دومنک تورنت، دستیار پپ گواردیولا بود که تنها چهار ماه دوام آورد. آیا الاهلی و سان‌داونز را نباید به حساب آورد؟ آیا فلامنگو ارزش آن را نداشت که نماینده‌ای در میان بهترین‌ها داشته باشد؟ اگر برخی بگویند که لیگ قهرمانان آفریقا خیلی دیرتر از آن تمام شد که نام موسیمانه برای جایزه بهترین‌های فیفا انتخاب شود، به یاد بیاوریم که فیفا یک بار مراسم توپ طلا را تمدید کرد تا هت‌تریک کریستیانو رونالدو را در نظر بگیرد و این جایزه را به او بدهد اما ژسوس چطور؟ انتخاب نشدن او هیچ توجیهی ندارد. اگر سه‌گانه بایرن مهم است، چرا سه‌گانه فلامنگو مهم نباشد؟ همینطور الاهلی؟ اگر اولین قهرمانی لیورپول در ۳۰ سال اخیر در لیگ خاص است، اولین قهرمانی فلامنگو در لیبرتادورس در ۳۸ سال اخیر چطور؟ قهرمانی لیورپول در لیگ چه اهمیت ویژه‌ای دارد؟ بیلسا و لیدز چطور؟ آیا صرف صعود به لیگ برتر کافی است که شما را در لیست بهترین مربیان کره زمین بیاورند؟

لیدز به جایی برگشته که به آن تعلق دارد، یعنی لیگ برتر. لیورپول هم به همین شکل به روند قهرمانی برگشته است اما چرا بهترین مربی دنیا باید حتماً از لیگ‌های فوق ثروتمند باشد؟ این فرصتی استثنایی برای فیفا بود که کارش را درست انجام دهد و در سال فوتبالی بسیار، بسیار دشواری که گذراندیم، ارزش کار مربیان خارج از اروپا را نشان دهد اما آنها به‌شدت در این زمینه ناکام ماندند و بعید به نظر می‌رسد فرصت دیگری نصیبشان شود.

هانسی فلیک، پیتسو موسیمانه و ژرژ ژسوس؛ این سه نفر بهترین مربیان ۱۲ ماه اخیر بوده‌اند. ترتیبشان با خود شما.

منبع: سایت گل

اینکه جوایز سال حول محور اروپا باشند، باعث شده طرفداران فوتبال در آمریکای لاتین و آفریقا بسیار ناراحت شوند. مسأله فقط پول نیست. مسأله این است که فیفا برای کار مربیانی که در قاره‌های دیگر می‌درخشند، ارزشی قائل نیست

مصاحبه

پپ رفیق من است اما نمی‌تواند لئو را داشته باشد

لاپورتا: بارسلونا به مسی دروغ گفت

رقابت انتخاباتی برای رسیدن به صندلی ریاست باشگاه بارسلونا به روزهای اوج خود رسیده است. چندین نفر از نایب رؤسای سابق و اعضای باشگاه بارسلونا برای گرفتن جای خوسپ ماریا بارتومئویی که ماه گذشته استعفا کرد، کاندیدا شده‌اند اما در این میان به نظر می‌رسد که دو نفرشان شانس بیشتری برای پیروزی دارند. یکی از آنها ویکتور فونت است و دیگری خوان لاپورتا. لاپورتا رئیس بارسلونا در پرافتخارترین مقطع از تاریخ این باشگاه بود. همان دوره‌ای که با مربیگری پپ گواردیولا ۱۴ جام از جمله شش‌گانه سال ۲۰۰۹ را برد. بارسایی که او الان می‌خواهد رئیس‌اش شود اما وضعیتی کاملاً متفاوت دارد. اوضاع مالی باشگاه به خاطر کرونا به هم ریخته است و لیونل مسی هم برخلاف میلش در این تیم مانده و در پایان فصل هم قراردادش تمام می‌شود. با همه این دردسرها لاپورتا قصد بازگشت به مسند ریاست بارسا را دارد.

اگر لاپورتا در انتخابات ۲۴ ژانویه پیروز شود اولین مأموریتش راضی کردن مسی به ماندن است، بازیکنی که شایعات فراوانی درباره پیوستن‌اش به پپ گواردیولا در منچسترسیتی شنیده می‌شود. او می‌گوید: «من مسی را فقط در پیراهن بارسلونا می‌توانم تصور کنم و هر کاری که ممکن باشد، انجام می‌دهم تا باز هم شماره ۱۰ بارسلونا را پشت پیراهن او ببینیم. به نظرم این پیراهن واقعاً برازنده اوست. مسی سفیر باشگاه؟ به نظرم سفیر اصطلاح گنگی است. من می‌دانم که مسی هنوز می‌خواهد بازی کند و تمرکزش هم روی بردن یک لیگ قهرمانان دیگر است.» در حالی که اکثر نامزدهای انتخاباتی درباره آینده مسی موضعی دوگانه اتخاذ کرده‌اند و حتی برخی از آنها فروش او را با توجه به فشار مالی ناشی از پرداخت حقوق هنگفتش به نفع بارسلونا دانسته‌اند، لاپورتا بر حفظ این اعجوبه آرژانتینی تأکید دارد. لاپورتا در دوره اول ریاستش در بارسلونا (آغاز آن سال ۲۰۰۳ بود) قول خرید دیوید بکام را داد و در نهایت رونالدینیو را به نوکمپ برد، با اینکه سال‌ها از پایان دوران ریاستش می‌گذرد، همچنان با مسی و پدر او خورخه رابطه خوبی دارد.

او ادامه داد: «چیزی که لئو را بیش از همه ناراحت کرده این است که به او دروغ گفتند. من خیلی خوش‌شانسم و افتخار می‌کنم که بگویم مسی به من گفت «تو هرگز به من دروغ نگفتی. همیشه هر وقت قولی به من دادی به آن عمل کردی». مدیران قبلی اما مسی را مسبب همه چیز جلوه دادند. آنها در پشت صحنه ایستادند و مسی را جلو انداختند. او هم مجبور نبود که این وضعیت را تحمل کند.»

لاپورتا اما آدم پشت صحنه مخفی شدن نیست. روز دوشنبه او آغاز کمپین انتخاباتی‌اش را با نصب یک بنر ۵۰ متری روی دیواره جانبی یک ساختمان چندین طبقه در فاصله تنها ۱۰۰ متری ورزشگاه سانتیاگو برنابئوی شهر مادرید به همه اطلاع داد. شعاری که روی این بنر در کنار عکس لبخند به لب او نقش بسته هم این است: «امیدوارم دوباره ببینم‌تان!» برخی می‌گویند شعار او کمی تحریک‌آمیز بوده کمی مانند اینکه گرام سونس پرچم گالاتاسری را درست وسط زمین فنرباغچه کاشت. لاپورتا اما می‌گوید این فقط کمی تفریح است و هدفش هم جلب نظر هواداران پرشماری بوده که بارسلونا در شهر مادرید دارد. با این حال گواردیولا معتقد است که مدیران قبلی عملکرد خوبی نداشتند. او می‌گوید: «مدیریت قبلی باشگاه عملکرد بدی داشته و نمی‌توان شیوع کرونا را هم تنها دلیل این وضعیت دانست. باشگاه باید از نظر اقتصادی دوباره به سروسامان برسد. ما می‌خواهیم که مردم دوباره عاشق بارسلونا شوند.»